



**در جریان اغتشاشات خیابانی شاهد حضور نوجوان‌هایی بودیم که به یک معنا کنش ساختارشکن و تندی داشتند. آیا می‌توان این پدیده را به عنوان نسل دهه هشتادی‌ها صورت‌بندی کرد؟**

پیش از آن که مستقیماً به این سؤال بپردازم به یکی دو مقدمه اشاره می‌کنم. اولین موضوع این است که در بررسی پدیده اعتراضات باید به این نکته توجه کرد که این پدیده عوامل متعددی دارد و در استناد به علت‌ها نباید فقط به عوامل بیرونی توجه نشان داد بلکه اگر می‌خواهیم به تصویر واقع‌بینانه‌تری از آنچه که روی داده برسیم عوامل درونی زایش چنین رویدادهایی را باید مورد توجه قرار دهیم.

در روانشناسی اجتماعی «نظر به‌های اسناد» وجود دارد. اسناد بیرونی، پیدا کردن علت پدیده‌های مختلف اجتماعی است. در نظر به‌های اسناد اگر ناکامی‌ای برای فردی روی می‌دهد -مثلاًفرض کنید در کنکور رتبه خوبی نمی‌آورد -وقتی بررسی می‌کنیم اگر فقط به عوامل بیرونی این ناکامی توجه کنیم در واقع مسئله را به درستی ندیده‌ایم. مثلاً فرد می‌گوید نظام آموزشی را به درستی خوبی نداشتم، یا سوالات سخت بود، یا آب و هوای روز آزمون جالب نبود، یا بدشناسی آوردم. البته که ممکن است از یک منظر برخی از این عوامل بیرونی تأثیر گذار و دست‌اندر کار باشند اما وقتی ما صرفاً روی عوامل بیرونی غیر قابل کنترل دست بگذاریم تغییری در رفتار این دانش‌آموز ایجاد نمی‌شود.

**در واقع تغییر رفتار زمانی روی می‌دهد که ما مسئولیت خود را در برابر رویدادها بیذیریم؟**

ببینید، اتفاقاتی در جامعه ما افتاده و این اتفاقات نامطلوب است. اینکه عوامل بیرونی در این زمینه دست‌اندر کار هستند -دشمن و رسانه‌های آنها به دنبال ایجاد آشوب‌باند -شکی نیست، تأثیر عوامل بیرونی، یقینی است اما اگر ما در تحلیل این رویداد فقط و فقط به عوامل بیرونی اکتفا کنیم یعنی فقط عوامل غیرقابل کنترل را به رسمیت بشناسیم در این صورت رشدی در کار نخواهد بود.

**شما وقتی به رویدادهایی مثل همین اعتراضات اخیر نگاه می‌کنید در آن بخش عوامل درونی چه نکاتی را قابل رصد می‌دانید؟**

مسئلاً عوامل اقتصادی، تورم و افت شاخص‌هایی که در این یکی دو سال کیفیت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده اثرگذار بوده‌اند. به عنوان نمونه دولت انتظار زیادی را از خود در بین مردم ایجاد کرده بود. طبیعی است وقتی انتظار بالا برود و از آن سو به این انتظارات پاسخخی در خود داده نمی‌شود شدت ناکامی یا درجه بالاتری احساس خواهد شد. در این یکی دو سال اخیر مردم این برداشت و احساس را داشتند که چون دولت یک‌دست و قواهمسو شده چالش‌ها در جامعه کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

**مثال می‌زنید؟**

این که قیمت‌ها کنترل خواهد شد، قول‌هایی داده بودند اما در یک سال گذشته آن خواسته‌ها تأمین نشده است. خب ما نمی‌توانیم این عوامل درونی را نادیده بگیریم. طبق آمارهایی که اخیراً ایدم ۱۳ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج ۲۵ – ۱۸ سال قرار دارند. ما آیا می‌توانیم به این عامل بی توجه باشیم؟

**وقتی به این ۱۳ میلیون نفر نگاه می‌کنید چه شرح و تفصیلی در ذهن‌تان بیدار می‌شود؟**

انگیزه و نیاز به تأمین جنسی، هویت‌یابی، نیاز به آینده، نیاز به اشتغال، خب وقتی ما فلان جوان را در کشور ترغیب می‌کنیم یا صفا را برای او آماده می‌کنیم که مدرک ارشد یا دکتری‌ای خود را بگیرد آیا می‌توانیم نسبت به زمینه اشتغال پایدار او بی توجه باشیم؟ ما این واقعیت را بیذیریم که امروز دسترسی به اشتغال پایدار و مسکن برای اکثر جوان‌ها به یک امر دست‌نیافتنی

تبدیل شده است. اینها عوامل اجتماعی قابل کنترل در بحران‌هاست و ما اگر این عوامل را در نظر بگیریم اولاً نمی‌توانیم تحلیل درستی در این باره داشته باشیم و در ثانی به شدت مشکلات می‌افزاییم.

**نکته دوم که می‌خواستید بگویید چه بود؟**

اکثریت کسانی که به کف خیابان‌ها آمدند، مطابق با مشاهدات و آمارهایی که ارائه شد قریب به ۷۰ یا ۸۰درصد جمعیت زیر ۲۵ سال و به یک معنا دهه هشتادی‌ها بودند. این‌هم نکته مهمی است که در تحلیل‌ها باید به آن توجه نشان دهیم. این جمعیت معترض، جوان‌ها و نوجوان‌هایی بودند که در دهه ۸۰ به دنیا آمده‌اند.

**و خصوصیت بارز این جوان‌ها چیست؟**

اینها نسلی هستند که در متن فضای مجازی متولد شده‌اند. در نسل پیش حضور اینترنت در زندگی مردم به این پررنگی و گستردگی نبود اما این نسل در بستری رشد کرده‌اند که جسارت و انرژی‌ی بالایی دارند و ماجراجو هستند.

**به عنوان یک روانشناس وقتی روی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تأکید می‌کنید بیشتر به چه ویژگی‌هایی اشاره دارید؟**

امروز در فضای مجازی مرز خیال و واقعیت کم‌رنگ شده است و نسل دهه هشتادی به واسطه اینکه ارتباط بسیار نزدیکی با این دنیای جدید و بازی‌های آن دارد، به ویژه بازی‌هایی که به راحتی خسونت را ترویج می‌کند الگوسازی‌هایی را انجام می‌دهند که برگرفته از مختصات قهرمان این نوع بازی‌هاست.

**یک مثال جزئی می‌توانید بزنید؟**

در این بازی‌ها قهرمان بازی خیلی راحت دوباره زنده می‌شود یا حالتی از روئین‌تنی در قهرمان به وجود می‌آید که در آن شرایط دیگر آسیب‌پذیر نیست. خب وقتی مرز خیال و واقعیت کم می‌شود کسی که در این فضا غرق شده به جرئت و جسارتی می‌رسد که ریشه آن در همین رویدادهای دنیای مجازی است.

**در واقع شما می‌گویید ما اگر می‌خواهیم این رویدادها را تحلیل کنیم نگاه کنیم ببینیم در ذهن آن نوجوان چه می‌گذرد.**

**اگر بخواهیم رویکرد درستی در این باره داشته باشیم چه کنیم؟**

ما دو راه در پیش داریم. می‌توانیم بگوییم اینها عوامل دشمن هستند و به تحریک رسانه‌های بیگانه به خیابان‌ها بیرون آمده بودند. البته اگر ما به این تحلیل برسیم تأسّف بیشتری برای ما دارد.

**و رویکرد دیگر؟**

رویکرد دوم این است که ما از خودمان بپرسیم چرا نمی‌توانیم اینها را جذب کنیم؟ آنها با چه شعارهایی و چه زمینه‌هایی توانستند جوان‌های ما را جذب کنند.اما اگر در سطح الگوهای رفتاری بخواهیم تحلیل کنیم به

نتیجه نمی‌رسد.

**چرا؟**

ما در هرم هویت یک بخش داریم. بخش روئین و قله هرم، الگوهای رفتاری است. بخش میانی، ارزش‌ها و نگرش‌هاست و قاعده، باورها و اعتقادات. حال ما اگر در بخش الگوهای رفتاری بخواهیم با جوان‌ها مواجه شویم موفق نمی‌شویم.

**چرا؟**

چون ما را در سطح معلول‌ها نگه می‌دارد در صورتی با مشاهدات و آمارهایی که ارائه شد قریب به ۷۰ یا ۸۰درصد جمعیت زیر ۲۵ سال و به یک معنا دهه هشتادی‌ها بودند. این‌هم نکته مهمی است که در زیرین علت‌ها هستند که آن موضوعات را پدید می‌آورند و تا زمانی که علت‌ها سر جای خود هستند درافتادن با معلول‌ها دردی را دوا نمی‌کند. مثل این است که شما در ساختمانی ساکن هستید که سیستم آبرسانی آن نشتی دارد و شما مدام می‌خواهید با قرار دادن سطل‌ها زیر محل‌های نشتی و خالی کردن مداوم آنها مسئله را حل کنید. طبیعی است که این شکل از حل مسئله درافتادن با معلول‌هاست و جواب نخواهد داد مگر اینکه به علت‌های زیرین و بنیادی که همان توجه به خرابی‌های سیستم آبرسانی است توجه نشان دهید.

**در واقع شما می‌گویید متوقف شدن در الگوهای رفتاری مثل این است که ما بخواهیم آن سطل‌ها را پر و خالی کنیم.**

بله، اگر می‌خواهیم از این مرحله بالاتر بپیایم و کار اساسی و درست را انجام دهیم باید به علت و پدیدآورنده الگوهای رفتاری که همان ارزش‌ها و نگرش‌ها و حتی باورهای افراد است توجه نشان دهیم و ببینیم آنجا چه تغییرات و کاستی‌هایی شکل گرفته که خود را در الگوهای رفتاری نشان می‌دهد. در آن صورت است که می‌توانیم ببینیم چطور آن رسانه بیگانه می‌تواند جوان‌های ما را جذب کند. این بحث مهمی است که اگر به آن بی‌اعتنایی کنیم و صرفاً به مواجهه‌های کوتاه‌مدت و محصور شدن در الگوهای رفتاری اکتفا کنیم کار را بر ما سخت‌تر خواهد کرد.

**ممکن است البته در کوتاه‌مدت جواب بگیریم.**

اما آتش زیر خاکستر است و دوم‌تبه آن انرژی فعال و شعله‌ور خواهد شد و به شکل زبانه‌های نفرت و خشونت خود را نشان خواهد داد. نکته دیگری که در این باره می‌توان گفت نگاه به این رویداد از دریچه پدیده‌ای به نام «وندالیسم» یا اعتراضات و شورش‌های اجتماعی است که امیرالمؤمنین(ع) دو جا در نهج‌البلاغه تحت عنوان «غوغا» از آن یاد می‌کنند. خُب وندالیسم یعنی چه؟ یعنی افرادی که دور هم جمع می‌شوند و دست به تخریب می‌زنند.

شاید یک مقدار از این افراد شرور باشند و حتی سلاح و امکانات را از دشمن گرفته‌یا از مرز وارد کرده باشند و به اصطلاح شغل‌شان همین باشد اما بسیاری از افرادی که در متن این وندالیسم حضور دارند حرفه آنها این نیست. البته که با آن دسته اقلیت که تخریب به مثابه حرفه و محل درآمد و نفوذ آنهاست باید برخورد شود اما با آن

## گفت‌وگو

**گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذر بایجانی متخصص روانشناسی اسلامی**

# «گوش دادن» رابطه مردم و مسئولان را ترمیم خواهد کرد

■ حسن فرامرزی

رویدادهای اخیر مربوط به اعتراضات اگر چه به یک معنا تلخ و گزنده‌اند اما فرصتی را فراهم می‌کنند که چالش‌های درونی و شکل‌مدیریت جامعه و نوع نگاه به مسائل و حل آنها دیده شوند. گفت‌وگوی ما با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذر بایجانی، دکتری فلسفه و عضو هیئت علمی گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه می‌کوشد نگاهی روانشناختی و تحلیلی به این رویداد داشته باشد.



فردی که در متن این آشوب و تخریب قرار دارد در عین حال شغل او آشوب نیست مواجهه دیگری لازم است.

**چرا اصلاً او در این فضا قرار می‌گیرد؟**

به خاطر اینکه احساس نمی‌کند که می‌تواند اعتراضات خود را به زبانی نرم بیان کند، این فرد حس نمی‌کند دیدگاه او در میان تصمیم‌گیران خریداری دارد. مثل این است که فردی می‌خواهد اعتراض کند اما جلوی زبان و محل درآمد و نفوذ آنهاست باید بر خورد شود اما او را گرفته‌اند و اجازه اعتراض داده نمی‌شود اما دهان او که با این روش از بین نمی‌رود بلکه تبدیل به خشم می‌شود و می‌بینید که او دارد در دیوار را خراب می‌کند.

شما در همین رویداد اخیر می‌بینید جوان ۱۷-۱۸ ساله یا حتی نوجوان ۱۵ ساله حاضر شده است به ماشین همشهری و همسایه خودش حمله کند یا بانک تخریب کند. ما اگر نگاه کنیم می‌بینیم پیش‌تر این خشم متراکم در ذهن و بدن این جوان بوده است.

**ما هم به این خشم بی‌اعتنا بوده‌ایم.**

بله در صورتی که می‌توانستیم به این خشم و ناراحتی توجه کنیم و امکاتی پدید آوریم که این ناراحتی و خشم امکان ظهور داشته باشد.

**مثلاً چطور؟**

ما از ظرفیت گفت‌وگوی آزاد به خوبی استفاده نمی‌کنیم و عملاً ارتباط با همدیگر نداریم. من چند وقت پیش به نقل از دادستان محترم کشور می‌خواندم که نحوه عملکرد برخی از سازمان‌ها مثل این است که جلوی دهان مردم را می‌گیرند و آنها را از زرده خاطر می‌کنند. خب این یک واقعیت است و ما نمی‌توانیم این را نادیده بگیریم که امروز بسیاری از سازمان‌ها و ادارات با سوءمدیریت و اختلال در ارائه خدمت، زمینه آزار و اذیت مردم و تولید خشم را فراهم می‌کنند. طبیعی است در این فضای خشم و نارضایتی، وقتی زمینه‌ای مساعد به وجود می‌آید امکان شعله‌ور شدن این خشم دور از ذهن نخواهد بود.

**به نظر ما دست کم تخیل‌مان را در این جزئی‌نگری‌ها فصال نمی‌کنیم که ببینیم موقعیت این میلیون‌ها فرد در این اوضاع چگونه است.**

ببینید آن جوان دهه هشتادی در حالی زندگی می‌کند که پدر و مادر او مدام در خانه از شرایطی که پیش آمده شکوه و ناله می‌کنند و تق می‌زنند. یعنی آن جوان شاهد نارضایتی و نق‌زدن‌های پدر و مادر است، خب شاید آن پدر و مادر به خاطر مصالحی نتوانند در خیابان حضور پیدا کنند اما آن جوان نارضایتی‌ها را با خودش به خیابان می‌آورد.

**در چنین شرایطی چه باید کرد؟**

اولاً هر چقدر می‌توانیم به لایه‌های عمیق‌تر مسئله و عوامل داخلی و قابل کنترل توجه نشان دهیم و صرفاً در الگوهای رفتاری توقف نکنیم بلکه مسائل را عمیق‌تر ببینیم و در ثانی اصلاحات و جراحی‌های جدی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌مان به وجود بیاوریم.

**این اصلاحات ناظر به چه اولویتی باید باشد؟**

در جهت تأمین نیازهای مردم، به هر حال یکی از مهم‌ترین کارکردهای حاکمیت این است که به نیاز مردم توجه نشان دهد.

**چه ظرفیت‌هایی در این زمینه داریم؟**

شما نگاه کنید ما چقدر از ظرفیت‌های مساجد خود در جهت ارتباط و تعامل افراد و گره‌گشایی از مشکلات استفاده می‌کنیم؟ لازم هم نیست که مثلاً امام جماعت متکلم وحده در این زمینه باشد. همین که هر شب یک نفر بیاید و حرف خود را بزند و تخلیه شود کافی است. حالا اگر مساجد ما بتوانند مسئولان را دعوت کنند و آنها نتگناها و راهکارها را با مردم در میان بگذارند مردم حس نمی‌کنند که وسط این چالش‌ها تنها مانده‌اند.

شما در رویداد اخیر شاهد بودم برخی از مسئولان ما اظهارات خام و گاه تنسجیده‌ای بیان می‌کردند که آن خانواده‌داندگار و بسیاری را عذاب می‌داد. شبیه به اینکه ما بگوییم مگر چه شده است؟

یکشنبه ۸ آبان ۱۴۰۱ | ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ |

**به عنوان یک متخصص روانشناسی اسلامی مواجهه لفظی مسئولان ما با چالش‌های این چنینی چگونه باید باشد؟**

ما در مباحث روانشناسی بحث ویژه‌ای داریم با عنوان مواجهه یا مقابله با بحران. نوع مداخله‌ما با فردی که بیماری حاد و شدیدی دارد یا اقدام به خودکشی کرده با کسی که با پای خود نزد یک مشاور رفته بسیار متفاوت است و به همدلی بیشتری نیاز دارد. طبیعی است وقتی در جریان همین اتفاقات خانوادہ‌ای داغ می‌بیند نباید انتظار داشته باشیم که آن داغ‌دیده‌ها کاملاً منطقی رفتار کنند. خودمان را جای آنها بگذاریم که آیا آن اتفاق برای فرزند ما می‌افتاد آرام می‌نشستیم بنابراین بهتر است به جای اینکه اصرار داشته باشیم اتفاقی نيفتاده عذرخواهی کنیم، تردیدی نیست که عذرخواهی نه تنها به‌افول اقتدار نمی‌انجامد بلکه محبوبیت و اعتماد می‌آورد و فرصتی برای ترمیم رابطه شما با جامعه را فراهم می‌کند اما اگر عذرخواهی نکنید و از آن طرف قیافه حق به جانب هم بگیرید در آن صورت بحران را عمیق‌تر کرده‌اید.

**شاید برخی گمان می‌کنند عذرخواهی ظن تعمصی بودن یک رویداد را تقویت می‌کند؟**

اتفاقاً برعکس است. شما وقتی در فروشگاه چرخ خرید را می‌رانید و این چرخ به پای فرد جلویی می‌خورد عذر می‌خواهید. این یعنی چه؟ یعنی تعمدی در کار نبوده و طرف مقابل هم می‌پذیرد و جلوی خشم و پرخاشگری او را می‌گیرد، بنابراین عذرخواهی به این معناست که عمدی در کار نبوده است.

**یک مثال کلان‌تر می‌زنید؟**

ببینید در حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی سردار حاجی‌پور در تلویزیون ظاهر شد و رسماً عذرخواهی کرد و مسئولیت این حادثه را به عهده گرفت و دیدیم که مردم با این نوع واکنش به یک رویداد همدلی بیشتری انجام دادند اما در رویداد اخیر ما این موضوع را به این شکل ندیدیم. اینکه چند نفر از مسئولان برکنار شوند این به معنای نادیده گرفتن خدمات یک دستگاه نیست. مسلماً نیروی انتظامی جایگاه بسیار بالایی دارد اما توجه کنید امنیت جانی و مالی باید در کنار امنیت روانی باشد.

**نگاه‌تان به اعتماد عمومی چیست؟ چون گاهی حس می‌کنیم از این زاویه هم بسیار آسیب‌پذیر شده‌ایم.**

اعتماد مردم به نهادها و اظهارات مسئولان و در شکل کلی آن اعتماد عمومی یکی از ارکان چهارگانه سرمایه اجتماعی است بنابراین نباید کاری کنیم که این اعتماد عمومی خدشه‌دار شود چون اگر اعتماد اجتماعی ما از دست برود حتی صادقانه‌ترین اظهارنظرهای مسئولان هم شهادت نخواهد شد.

**مهارت گوش دادن به دیگری در ما ضعیف است و تولید بحران می‌کند. چرا ما نمی‌توانیم به دیگری گوش بدهیم؟**

خود را حق به جانب می‌دانیم. تصور ما این است که دیگران اشتباهی می‌کنند نه ما، بنابراین گوشه‌ای برای شنیدن نداریم. توجه کنید که امیرالمؤمنین به سخنان خوارچ گوش می‌دادند ما که غیر معصوم هستیم تکلیف‌مان روشن است.

روشن است اگر می‌خواهیم به دیگری گوش بدهیم، اول باید اصل خطاپذیری خودمان را پذیرفته باشیم. خداوند در قرآن، یکی از فضایل پیامبر(ص) را گوش دادن حضرت به سخنان منافقان می‌داند، آنجا که می‌فرماید اگر پیامبر به سخن شما گوش می‌دهد برای شما خیر است و توجه کنید پیامبر گل سرسید هستی است اما سخن مردم را نادیده نمی‌گیرد بنابراین ما نیز باید این زمینه قلبی و روانی را در خود ایجاد کنیم و به حرف‌های مردم گوش دهیم.

**حال اگر از منظر گوش دادن به این ناآرامی‌ها نگاه کنیم چه نکاتی قابل ذکر خواهد بود؟**

بزرگ‌ترین محصول گوش دادن، توان همدلی است. اگر کسی به درستی و بدون شتاب و پیش‌داوری به دیگری گوش دهد فضای همدلی را بین خود و آن دیگری پدید خواهد آورد. بنابراین اگر مسئولان ما می‌خواهند در مواجهه با بحران به درستی عمل کنند یکی از مهم‌ترین تکنیک‌هایی که باید آموزش ببینند در خود تقویت کنند گوش دادن همدلانه است. گوش دادن رابطه مسئولان و مردم را ترمیم خواهد کرد و از آن طرف عوامل دشمن را ناکام خواهد گذاشت چون بچه‌هایی که به خیابان‌ها می‌آیند بچه‌های این کشور و حتی فرزندان مسئولان هستند. ما باید این تفکیک حیاتی را انجام دهیم که بسیاری از این جوان‌ها و نوجوان‌ها از دشمن و عامل دشمن نیستند. البته یک تعدادی بین این افراد وجود دارد که اسلحه سرد و گرم دارند و برای خلق آشوب آموزش دیده‌اند، حساب این افراد جداست و نیروهای امنیتی باید با آنها برخورد کنند اما برخورد یکسان با همه عوامل دخیل در این اعتراضات در نهایت به «ترומای روانی» منجر می‌شود که به سادگی قابل دفع نیست.

**ما به چه نوع مواجهه‌های نیاز داریم؟**

برخورد کارشناسانه و حتی مهربانانه، ما نیاز داریم شدت برخورد فیزیکی به حداقل برسد.

**بیانی از امام علی(ع) وجود دارد که فرزندان شما مخلوقان زمانی غیر از زمان شما هستند و به نوعی اشاره می‌کند که نباید قواعد نسل خود را بر نسل بعد از خود دیکته کنید. تفسیر و برداشت شما از این بیان چیست؟**

بله، ابن‌ابی‌الحدید، شارح نهج البلاغه این جمله را به نقل از امام علی(ع) می‌آورد که: لا تفسروا واولادکم علی ادابکم، فأنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم. این یعنی با فشار نخواهید که فرزندان خود را به آداب و رسوم خود در بیاورید. چرا؟ چون آنها در زمانی خلق شده‌اند که دست کم ۲۰ سال با زمان شما فرق دارند. آداب هم که می‌گوید منظور همان الگوهای رفتاری است. می‌خواهد بگوید با فشار نمی‌توانید الگوهای رفتاری خود را به نسل بعد از خود تحمیل کنید.